

## «سیفلیس»

# یا ناگوارترین حادثة تاریخ

بقلم: ج.د.رت کلیف  
ترجمه:  
مجید اوحدی (یکتا)

از: ریدرز دایجست

بیماری مسری سیفلیس که در سال ۱۴۹۵ میلادی اروپا را با تش کشید شاید بزرگترین ضربتی بود که بنسل بشر وارد ساخت مرگ سیاه (۱) در سال ۱۳۰۰ م حیات ۲۵ بلیون نفر را بمخاطره انداخت - آنفلونزا در سال ۱۹۱۸ میلادی / ۲۰ میلیون نفوس را کشت - تیفوس گاهگاہ بروز کرد و از میان رفت اما سیفلیس وقتی ظاهر شد بجای خود باقی ماند و حدود پنج قرن است که مانند قاتلی خونخوار بجان انسان افتاده و او را بجنون فلج و ناتوانی کشانده و نابود ساخته است .

بیماری مزبور که امروز دهها میلیون افراد بشر را گرفتار نموده نتیجه مستقیم و بازمانده میکروبهایی است که در زمان کریستف کلمب بروز نمود و عالمگیر شد.

تمیین این که منشا این مرض هولناک کجا بوده میبشی است طبی وهر-

(۱) مرگ سیاه (موت الاسود) مرگی است که از وبا طاعون و خناق

بوجود می آید.

کس نظریه دارد ولی آن دسته که مدعی هستند همراهان کریستف کلمب هنگام برگشت از دنیای جدید این ارمغان را باروفا آورده و شواهد و مدارک قویتری در دست دارند. آنچه از اجساد مردگان اروپا و آناری که بجای مانده مشهود است تا قبل از سال ۱۵۰۰ م علام زخم سیفلیس بر استخوانها مشاهده نشده ولی از آن بیمد می بینیم که این علائم و آثار فراوان تر شده است - يك پزشك اسپانیائی نوشته که بعضی از افراد هیئت اعزامی کلمبوس را که بمرض عجیبی مبتلا بوده اند تحت ملاحظه قرار داده - در سال ۱۴۹۳ م سیفلیس در سویل (۱) بارسلنا (۲) و سایر بناوری که کاشفین حین مراجعت اقامت میکردند شیوع یافت .

یکی از متمیزین اسپانیا که برای نظارت محصول طلا و نقره بدنای جدید مأموریت یافت پادشاه خود چنین مینویسد: مرضی که در اروپا تازگی دارد در جزایر آنتیل (۳) بطوری رایج و مشهور شده که هر اسپانیولی که باز نماند می معاشرت میکند بان مبتلا میگردد .

در عرض مدت دو سال بیماری سیفلیس بجنوب غربی اروپا رخنه کرد . شارل هشتم پادشاه فرانسه که مدعی تخت و تاج ناپل (در ایتالیا) بود قهقونی مرکب از افراد آلمانی - سویسی - اسلاو - هنگری و فرانسوی اجیر کرد که تعداد آنها بسی هزار نفر رسید - موقعی که سر بازان بدروازه های ناپل (اوایل سال ۱۴۹۷ م) رسیدند اسپانیا بکمک مالی ناپل که در محاصره بودند شتافت و در عرض چند هفته بیماری سیفلیس بیش از هر سلاح دیگر دشمن آنان را بمخاطره انداخت و سر بازانی که باین زخم مهلك دچار شدند بعضی نابینا برخی دیوانه و عده ای هم بمرض فلج مبتلا گردیدند - از این پس شیوع بیماری زیاد شد و ابتدا رم را مورد تهدید قرار داد - بن و نو تو سلینی (۴) زرگر هنرمند فلورانس در

Seville (۱)

Barcellona (۲)

Antille (۳)

Benvenuto Cellini (۴)

تاریخچه زندگی خود چنین یادداشت می کند :

وطاعونی دردم بروز کرد که در شدت عمل بسیار فوق العاده بود و هر روز چندین هزار نفوس رومی را به لاکت میرساند.

کلیساها اجتماعات مذهبی را ممنوع ساختند و اجازه دادند که روزهای تعطیل بدون تشریفات برگزار شود کسانی که باین بیماری مبتلا بودند مورد نفرت و پرهیز عموم مردم حتی میروس و مجذوم قرار می گرفتند و ناچار در کبوجه ها و خیابان ها با بدن مجروح مشغول گدائی می شدند .

بعد از شکست فرانسه در ناپل قشون مغلوب در کشورهای اروپا متواری و پراکنده شدند . میکرب سیفلیس در سال ۱۴۹۵ م فرانسه ، آلمان و سوئیس و در سال ۱۴۹۶ بیونان و سال بعد باسکاتلند و انگلستان سرایت کرد سپس در سال ۱۴۹۸ م بوسیله کاشف معروف دواسکودا گاماء (۱) به هندوستان برده شد و در ۱۴۹۹ روسیه و لهستان را مبتلا ساخت - بیماری مزبور دامان تر و خشک، گناهکاروبی گناه را آلوده کرد - قابله ها بزنان و سلمانی ها بمشتریان خود انتقال دادند و مردانی که خود را تسلیم هوی و هوس تمایلات جنسی کرده - بودند گومی آماده مرگ شده و در انتشار این بیماری عجله و شتابی از خود نشان میدادند .

سیفلیس تا مدت يك نسل بدون نام بود و با آن که بنامهای مختلف خوانده میشد اهالی ایتالیا آنرا منسوب به فرانسه و فرانسویان منسوب با ایتالیا میدانستند پاره ای تصویر میکردند که از هندوستان نشأت یافته و آنرا سرخک یا خنازیر می نامیدند .

دسته ای کوفت یا آبله ترکی نام گذاری میکردند تا در سال ۱۵۳۰ میلادی گیرولامو فراکاسترو (۲) حکیم ایتالیایی داستان خوگ چرانی سیفیلوس نام را بنظم در آورد که بعلمت بیدینی و کفر که نسبت با بله خورشید رواداشته از

Vasco da Gama (۱)

Girolama Fracastoro (۲)

طرف آپولو (۱) به بوماری تازه‌ای گرفتار میشود. از این تاریخ بیماری مزبور بنام سیفلیس موسوم شد.

کم‌کم مرض مسری سیفلیس به قلب اروپا رسید و در سال ۱۴۹۷ پارلمان پاریس قانونی وضع کرد که بیماران سیفلیس بهر صورت که هست باید بکشورهای خود مراجعت کنند و بیماران بومی پاریس مانند گله حیوانات در حوالی سنت ژرمن (۲) دسته‌دسته بقرنطینه گذارده میشدند و این ناحیه از انبوه بیماران بصورت لانه حشرات مودی در آمده و تا آنوقت چنین جمعیتهی به خود ندیده بود.

اما از این تدبیر نتیجه بدست نیامد ناچار پارلمان پاریس قانونی تصویب نمود که هر گاه بیماران سیفلیسی در کوچه و خیابان مشاهده شوند (چون بدن آنها مجروح بود هیچکدام نمیتوانستند خود را از انظار مخفی نگاهدارند) آنها را برودخانه در اندازند و چون غالباً در آن زمان شناگری نمیدانستند اکثراً در آب خفه می‌شدند.

آبردین (۳) دستور داده که فواحش دست از کار خود بکشند و یا آن که سورت‌های آنان را داغ کرده از شهر اخراج کنند شهرهای آلمان از قبیل استراسبورگ - نیز و نورمبرگ مبتلایان را تبعید کردند و اشخاصی را بر دوازده‌های شهر گماردند که مانع از ورود آنان بشوند - در نتیجه این تدابیر جاده‌ها و طرق اروپا از این گونه بیماران مسدود شد و ناچار در جنگل‌ها و صحراها با خوراک مختصری زندگی کرده ده‌هزار ده‌هزار جان میسپردند.

بیماری از اطباء از ترس آن که مبادا باین مرض دچار شوند از معالجه بیماران امتناع می‌کردند ولی چند نفر از پزشکان با تداوی مبتلایان به سیفلیس صاحب ثروت شده و آنها را با جیوه که برای بیماری برص و جذام بکار

Apollo (۱)

Lt. Germain (۲)

Aberdeen (۳)

می رفت معالجه مینمودند بدین طریق که جیوه را با پیه خوک مخلوط نموده سر تا پای بیمار را مرهم می گذاشتند. بیماران نروتمند را در صندوق های متحرک انفرادی قرار داده و غالباً عبارات اخلاقی نظیر این جملات را بر صندوقها می نوشتند. و یک دم خوشی و یک عمر عذاب سپس کوزه کوچکی از آتش زیر صندوق قرار داده که مریض بمرق بیفتد و در عذاب باشد اما مرضی فقیر را پس از روغن کاری در اجاق های بزرگ در بسته جای می دادند و سه چهارم این افراد طی عمل یا از مسمومیت جیوه یا حرارت هلاک می شدند. - جیوه ظاهر زخم را درمان میکرد ولی میکرب در بدن بیمار مخفی شده و در دوران بعدی حیات باعث جنون - فلج - کوری و بیماری های مهلك دیگر می گردید.

این بلای عام بشخصیت های بزرگ نیز وقتی نداشت. کاسپارتورلا (۱) طبیب مخصوص امپراطور نیرومند بود بد نام دم تنها هفده نفر بیمار سیفلیسی را در آن خانواده معالجه نمود. هنری هشتم پادشاه انگلستان باین مرض دچار شد و با آن که زنان متعدد داشت آنچه فرزند بوجود آورد عموماً مرده متولد می شدند - ایوان (۲) مرد قهار و مهیب روسیه در اثر ابتلای باین مرض دیوانه شد و لطمه بزرگی بملت روس وارد ساخت همچنین فرانسیس اول پادشاه فرانسه به همین بیماری دچار گردید.

در مدت هفت سال بیماری سیفلیس بقدری شیوع یافت که از هر سه نفر یک نفر گرفتار شد و از هر ده نفر یک نفر بهلاک رسید و اگر بخواهیم نسبت این تلفات را با جمعیت امروز جزایر انگلستان بسنجیم باید گفت تعداد مبتلایان بشانزده میلیون وعده تلفات به پنج میلیون بالغ میگردد. - هر اندازه که سرایت این بیماری تخفیف یافت خطر مرگ هم کمتر شد ولی بمحض آن که در میان دسته و جمعیتی که قبلاً دچار نبودند شیوع پیدا می کرد باز تراژدی خطرناک مرگ تجدید می شد.

Caspere Torrella (۱)

Ivan (۲)

در سال ۱۵۰۵ بازرگانان بیماری سیفلیس را بچین بردند و در سال ۱۵۶۹ بوسیله ملاحان پرتغالی ژاپون راه یافت.

در برخی جزایر جنوبی اقیانوس آرام اکثر نفوس از این ارمغان بشر سفید پوست بهلاکت رسیدند ولی بامریکا دیرتر سرایت نمود و شاید علت آن بود که مهاجرین اولیه دارای اخلاقی تند و بالطبع بیشتر باصول تقوی و پرهیز- کاری پای بند بودند.

در شهر بستن بسال ۱۶۴۷ بیماری سیفلیس بروز کرد کاتن مادر (۱) که از پیشوایان مذهبی آنها بود عقیده داشت که این کیفر اعمال آنهاست که از جانب خداوند بآنان نازل شده.

میکروب حلزونی و مارپیچی سیفلیس بقدری ضعیف و شکننده است که نمیتوان آنرا در خارج بدن انسان یا سایر حیواناتی که مورد آزمایش قرار گرفته اند زنده نگاه داشت باوجود این مانند حلقه زنجیر از فردی به فرد دیگر سرایت کرده و توانسته برای مدت پانصدسال خود را باقی نگاهدارد خلاصه بایسد گفت بزرگترین و مزمن ترین بلائی که تاکنون نسل بشر را بمخاطره انداخته و باین خطر غم انگیز دچار ساخته بیماری مهلك سیفلیس هی باشد.

(۱) Cotton mather شایسته انجمن انات فرنگی

پرتال جامع علوم انسانی

